



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



موضوع:

اخلاق؛ نصایح و مواظ

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتاری از آن جناب در نهی از دنیاگرایی و امر به کار برای آخرت

شماری از یارانمان ما را خبر دادند، گفتند: روزی با منصور هاشمی خراسانی به کوهستانی سرسبز رفتیم و بر کنار چشمه‌ای زیبا نشستیم. آن گاه قلم و کاغذ درآوردیم تا چیزی که می‌فرماید را بنویسیم. پس ردای خود را بر سر کشید و فرمود:

«ای برادران! از خواب غفلت بیدار شوید و برای زندگی پس از مرگ اندوخته‌ای فراهم سازید، پیش از آنکه فرصت را از دست بدهید و مانند پاره‌سنگی بر زمین سرد و سخت شوید! نمی‌بینید خویشاوندان خود را که یکی پس از دیگری می‌میرند و به سوی گورها برداشته می‌شوند؟! آیا آنان از گوشت بودند و شما از آهنید یا مرگ را با آنان خصومتی بود و با شما رفاقتی است؟! چنین نیست، بلکه شما نیز مانند آنان می‌خورید و مانند آنان می‌خوابید و مانند آنان محکوم به مرگید؛ در ساعتی که نمی‌دانید از شب است یا از روز یا در نزدیک است یا در دور، ولی می‌دانید که فرا می‌رسد؛ پس همه‌ی بافته‌هاتان را پنبه می‌کند و همه‌ی نقشه‌هاتان را نقش بر آب؛ مانند سفالینه‌ای که ناگهان از دست بیفتد یا آینه‌ای که سنگ در آن آید؛ با آرزوهایی که از یاد می‌روند و کارهایی که ناتمام می‌مانند و حسرتی که هجوم می‌آورد و وحشتی که مستولی می‌شود!

پس آیا دنیا مانند حبابی نیست که کودکی بازیگوش در آن دمیده و به پرواز آن خرسند است، در حالی که آن را بقایی نیست؟! یا دوستی برفین که به چوب و سنگریزه‌اش آراسته، چونانکه گویی دوستی زنده است، در حالی که با آفتاب ذوب خواهد شد؟!!

بی‌گمان دل بستن به ناپایدار خصلت کودکان است؛ پس شما که بزرگسالانید چرا دلبسته‌ی دنیایید؟! آیا عیب نیست بر شما که با این قامت‌های دراز در پی چرخی گردان

دوانید؟! بگذارید این بازی را برای کودکان و برای کسانی که مانند کودکانند؛ چراکه شما بزرگانید؛ چونان رهگذرانی که ساعتی بر کنار بازی‌گاه کودکان فرود آیند، پس به بازی آنان بنگرند که چگونه بر هم می‌جهند و سپس برخیزند و بروند!

به راستی می‌گوییم که دنیا برای شما نیست و شما برای آن نیستید. آیا نمی‌بینید که چگونه از شما گریزان است چونانکه گویی جذامیانید؟! پس بگذارید آن را برای کسانی که در سر سودای آخرت ندارند؛ چراکه آن نصیب آنان از عیش است؛ مانند جرعه‌ای آب شور در مشکی تفتیده که تشنگی را فرو نمی‌نشاند! چه فرقی دارد برای شما که استخوانی افتاده بر راه را سگی بردارد یا گربه‌ای ببرد در حالی که شما را به آن حاجتی نیست؟! خود را از دنیا بی‌غم سازید و به آخرت مشغول دارید؛ چراکه عن قریب دنیا می‌گذرد و آخرت فرا می‌رسد و چون آخرت فرا رسد گویی هرگز دنیایی نبوده است! از دنیا به چیزی اندک که شکم را از درد و تن را از سرد برهاند بسنده کنید و نیروی‌تان را برای آخرت بگذارید! مبادا بینمندان که گرفتار دنیایید و وقتی برای آخرت نمی‌یابید! مبادا بینمندان که بر سر دنیا با اهلش نزاع دارید و استخوان از دهان سگان می‌ربایید! مبادا بینمندان که برای پول حرص می‌زنید و کلاه از سر این و آن بر می‌دارید! چه می‌کنید با این پول که بر روی آن نقش بتان است و از لمس آن وضو باید گرفت؟! گویی لعنت بر آن نوشته شده یا نحوست در آن مستتر است! چه بسیار خون‌ها که برای آن ریخته شده و چه بسیار اشک‌ها و آبروها! بهشت را با آن سودا کرده‌اند، در حالی که بهای تخم مرغ و روغن نباتی است! آیا کسانی که آن را بر روی آن انباشته‌اند جز در پارچه‌ای پیچانده می‌شوند که شما پیچانده می‌شوید و جز در سوراخی انداخته می‌شوند که شما انداخته می‌شوید؟! پس با آنان رقابت نکنید و نیروی‌تان را ضایع نگردانید، بلکه رقابت کنید با پرهیزکاران برای رسیدن به بهشت‌هایی که گامی در آن‌ها از دنیا و هر چه در آن است بهتر است!

از دنیا به قدر کفاف قانع باشید و چیزی از آن که ضرورت ندارد را ضروری ندانید. چه می‌کنید با این پول اگر نان کافی برای خوردن و لباس کافی برای پوشیدن و جای کافی برای خوابیدن دارید؟! آیا از یک شکم بیشتر توانید خورد یا از یک بدن بیشتر توانید پوشید یا از یک جا بیشتر توانید خوابید؟! پول بیشتر از نیاز باری بر گردن است، پس آن را ببخشید و خود را آسوده کنید! صخره‌ای در پیراهن سبک‌تر از پولی در آن است که به آن نیازی ندارید، ولی شما وزنش را احساس نمی‌کنید! پس طمع را از دل برانید و حرص را از سر بیندازید! تعلق را فرو کاهید و توقع را پایین آورید! قناعت را جامه‌ی خود گردانید و سادگی را زیور خود قرار دهید! چاله‌ها را با صرفه‌جویی پر کنید و دژه‌ها را با صبر فرو پوشانید!

باری اکنون که از مرگ گزیری نیست، در حالی بمیرید که برای آخرت کوشانید، نه برای دنیا؛ زیرا کوشش برای آخرت با مرگ به ثمر می‌رسد و کوشش برای دنیا با مرگ بر باد می‌رود! هنگامی که ندا شنیده می‌شود کسی از شما که آزاد است بی‌درنگ به سویش می‌شتابد و کسی از شما که گرفتار است می‌گوید: خانه را چه کنم؟ پیشه را چه کنم؟ بدهی را چه کنم؟ آن را چه کنم؟ این را چه کنم؟ پس بدین سان باز می‌ماند، در حالی که از زیان کاران است. این پند من است برای کسانی که هنوز گوشی شنوا دارند، نه آن هیچ کسان که در گوشی کبر کرده‌اند و در گوش دیگر هوای نفس! پس پندم را به دل سپارید و به کار بندید، باشد که از شما صالحانی پدید آیند و به اصلاح زمین - این ویرانه - یاری رسانند. من گنج شما هستم و شما یابندگان منید؛ پس بنگرید که از من چه بهره‌ای می‌برید؛ زیرا علم عالم از الماس ارزشمندتر است و امت‌هایی را از آتش می‌رهاند و نسل‌هایی را به سعادت می‌رساند».

سپس ردا را از سر گرفت و به سوی آفاق نگریست و فرمود:

«خداوند را کلمه‌ای است که من فریاد کننده‌ی آن هستم، اگرچه کران، کران تا کران این بی‌کران را پر کرده باشند!».

آن گاه از جای خود برخاست و به سوی چشمه رفت و دست و روی خود را در آن شست. سپس به سوی بوته‌ها روان شد و فرمود:

«چرا نشسته‌اید ای برادران؟! با من بیایید تا در میان گیاهان گردش کنیم و نشانه‌های پروردگاران را ببینیم؛ چرا که نشانه‌های پروردگاران در میان آن‌ها دیدنی است».

پس ما در عقب او روان شدیم، در حالی که نمی‌دانستیم بر زمین گام می‌زنیم یا بر آسمان.

شرح گفتار:

در این گفتار شگرف، لطایف علمی، عجایب تربیتی و بدایع ادبی فراوانی نهفته است که بر اهل علم و ادب پوشیده نیست و نظیری برای آن جز در گفتار پیامبران و امامان هدایت یافت نمی‌شود و با این وصف، شایسته است که هر جمله و کلمه‌ی آن مورد بازخوانی و بررسی قرار گیرد؛ همچنانکه در آن مایه‌ی آخرت‌گرایی برای قرنی است که دنیاگرایی را به اوج خود رسانده و با چنین مفاهیم والا و اصیلی بیگانه است. این «فریاد کننده‌ی کلمه‌ی خداوند» به درستی تشخیص داده که ریشه‌ی بیشتر معضلات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جهان، سیطره‌ی دنیاگرایی و فراموش شدن

آخرت است و از این رو، با حکمتی بی‌مانند و فصاحتی خارق العاده که مانند چراغی تابان در حال نورافشانی است، به مبارزه با دنیاگرایی و یادآوری آخرت مشغول است. با این وصف، خوشا به حال «کسانی» که قدر این «گنج» معنوی را می‌دانند و گوش شنیدن پندهای او را دارند و بدا به حال «آن هیچ‌کسان» که هنوز اندر خم کوچه‌های «تکبر» و «هوای نفس» سرگردانند و به جای بهره‌مندی از «علم عالم»، به تقلید از حاکمان ظالم و مدعیان دروغین مشغولند!

اما گفتار آن جناب که فرموده است: «چه می‌کنید با این پول که بر روی آن نقش بتان است و از لمس آن وضو باید گرفت؟!» اشاره به تصاویر طواغیتی است که بر روی پول‌ها چاپ شده است و بر وجوب یا استحباب شستن دست پس از لمس آن‌ها دلالت دارد و این حکمت کراهت آن جناب از لمس آن‌هاست^۱. همچنین، مراد آن جناب از «چاله‌ها» در عبارت «چاله‌ها را با صرفه‌جویی پر کنید» کاستی‌های مالی اندک است که با «صرفه‌جویی» جبران می‌شوند و مراد آن جناب از «دَرّه‌ها» در عبارت «دَرّه‌ها را با صبر فرو پوشانید» کمبودهای مالی بزرگ است که ناگزیر باید بر آن‌ها «صبر» نمود و نباید به سبب آن‌ها به حرام روی آورد و مراد آن جناب از «ندا» در عبارت «هنگامی که ندا شنیده می‌شود» ندای آسمانی به نام مهدی یا ندای آن جناب برای حرکت به سوی آن حضرت است که گرفتاران به دنیا از اجابتش باز خواهند ماند و مراد آن جناب از «کلمه‌ی خداوند» در عبارت «خداوند را کلمه‌ای است که من فریاد کننده‌ی آن هستم» ملکوت خداوند یا خلیفه‌ی او در زمین است که آن جناب به سویی دعوت می‌کند «اگرچه کران، کران تا کران این بی‌کران را پر کرده باشند»؛ یعنی ناشنویان دعوت آن جناب، شرق تا غرب جهان را پر کرده باشند و این از عجیب‌ترین و بلیغ‌ترین تعابیر است که جز از آن جناب شنیده نشده و ستایش برای خداوند است که سرچشمه‌ی همه‌ی خیرات و کمالات است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب به امامی خراسانی



۱. بنگرید به: گفتار ۴۸.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب به امامی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه یوتیوب پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیس‌بوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.